

رویکردی شناختی به
نظام جهت‌های دستوری در گویش گیلکی

دکتر مریم مادات فیاضی
عضو هیئت علمی
پژوهشکده گیلان‌شناسی، دانشگاه گیلان

دکتر حسین صافی پیرنوحه
عضو هیئت علمی
پژوهشکده زبان‌شناسی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی



سرشناسنامه: فیاضی، مریم سادات ۱۳۵۴ -

عنوان و پدیدآور: رویکردی شناختی به نظام جهت‌های دستوری در گویش گیلکی /

مریم سادات فیاضی، حسین صافی‌پیرلوجه؛ [به سفارش حوزه هنری گیلان].

مشخصات نشر: رشت، فرهنگ‌ایلیا، ۱۳۹۶.

مشخصات ظاهری: ۱۱۹ ص.

شابک: ۶ - ۵۸۰ - ۱۹۰ - ۹۶۴ - ۹۷۸

موضوع: گیلکی -- دستور

موضوع: گیلکی -- ریشه‌شناسی

شناسه: صافی‌پیرلوجه، حسین، ۱۳۵۵ -

شناسه افزوده: حوزه هنری گیلان.

رده‌بندی کنگره: ۱۳۹۶ ف ۹۲ گ / PIR ۳۲۶۸

رده‌بندی دیویی: خ ۹ فا ۴

شماره کتاب‌خانه ملی: ۵۱۲۰۲۶۶



• رویکردی شناختی به نظام جهت‌های دستوری در گویش گیلکی

• دکتر مریم سادات فیاضی / دکتر حسین صافی‌پیرلوجه

• چاپ نخست: ۱۳۹۷ • شمارگان: هزار نسخه • شماره نشر: ۶۷۳

• نسخه‌پردازی و آماده‌سازی: کارگاه نشر فرهنگ‌ایلیا • صفحه‌آرایی: وحید باقری

• تمامی حقوق این کتاب محفوظ است.

• شابک: ۶ - ۵۸۰ - ۱۹۰ - ۹۶۴ - ۹۷۸

• نشر فرهنگ‌ایلیا؛ رشت، خ آزادگان، جنب دبیرستان بهشتی، خ صفایی، خ حاتم، شماره ۳۹

• تلفن: ۳۳۳۴۴۳۳۳ ۳۳۳۴۴۳۳۲ ۰۱۳ • دورنگار: ۳۳۳۲۱۸۲۸ - ۰۱۳

Email: nashreilia@yahoo.com

www.farhang-e-ilia.ir

فهرست

۷	یادداشت حوز، هنر گیلان.....
۹	مقدمه.....
۱۳	فصل اول: چارچوب نظری.....
۱۳	۱-۱ گویش گیلکی.....
۱۷	۲-۱ شناخت.....
۱۸	۳-۱ زبان‌شناسی شناختی.....
۲۱	۴-۱ جهت.....
۳۱	فصل دوم: جهت معلوم.....
۳۱	۱-۲ جهت معلوم در زبان فارسی.....
۳۱	۲-۲ پیشینه‌ی مطالعات مربوط به جهت معلوم در گویش گیلکی.....
۳۲	۳-۲ جهت معلوم در دستور شناختی.....
۳۶	۴-۲ جهت معلوم در گویش گیلکی.....
۴۵	فصل سوم: جهت مجهول.....
۴۵	۱-۳ جهت مجهول در زبان فارسی.....
۴۸	۲-۳ پیشینه‌ی مطالعات مربوط به جهت مجهول در گویش گیلکی.....
۵۰	۳-۳ تحلیل جهت مجهول در گویش گیلکی در قالب انگاره‌ی دستور شناختی.....
۵۱	انواع وقوع «بوبوستن» در گویش گیلکی.....
۵۱	انواع وقوع «شوئن» در گویش گیلکی.....
۵۳	۴-۳ جزء غیر فعلی در ساخت مجهول گیلکی.....
۵۹	۵-۳ جزء فعلی ساخت مجهول.....
۶۴	فضای معنایی بوبوستن و شوئن.....
۶۶	۷-۳ حروف اضافه‌ی گیلکی در رمزگذاری کنشگر در ساخت مجهول.....
۷۵	فصل چهارم: جهت میانه.....
۷۵	۱-۴ جهت میانه در زبان فارسی.....
۷۹	۲-۴ پیشینه‌ی مطالعات مربوط به جهت میانه در گویش گیلکی.....
۸۰	۳-۴ جهت میانه در دستور شناختی.....
۸۴	۳-۴ جهت میانه در گویش گیلکی.....

فصل پنجم: جهت معکوس ۹۱

۱-۵ جهت معکوس در دستور شناختی ۹۱

۲-۵ جهت معکوس در گیلکی ۹۳

فصل ششم: جهت ضدمجهول ۱۰۱

۱-۶ جهت ضدمجهول در زبان فارسی ۱۰۱

۲-۶ جهت ضدمجهول در گیلکی ۱۰۱

۳-۶ جهت ضدمجهول در دستور شناختی ۱۰۲

۴-۶ جهت ضدمجهول در گویش گیلکی ۱۰۶

فصل هفت: نتیجه گیری ۱۰۹

کتابنامه ۱۱۵

یادداشت حوزه هنری گیلان

زبان‌های هر منطقه به‌طور بالقوه پتانسیل گسترده کردن زبان معیار را در خود دارند و با توجه به این که دایره‌ی واژگانی در این بخش متفرد از زبان معیار است، گاه می‌توانند منبع تغذیه‌ای برای آن محسوب شوند؛ به‌ویژه که امروز، توجه به خرده‌فرهنگ‌ها در آثار ادبی و هنری اقبال عام‌تری یافته است.

گویش‌های بومی که بسیاری از سنت‌های عرف و عادات معقول منطقه‌ای از طریق آن محفوظ می‌ماند، به‌طریق اولی، باید حفظ و نگهداری شوند. بنابراین حفظ گویش‌های بومی، ضمن در نظر گرفتن تنوع زبانی جامعه، باعث تداوم آیین‌ها، سنت‌ها و رسوم معقول و صحیح بومی - منطقه‌ای خواهد شد و همچنین منبع قابل توجهی از واژگان، اصطلاحات، ضرب‌ها و مثل‌ها و ... را که به‌طور بالقوه، برای بقای زبان معیار ضروری است، محفوظ خواهد داشت.

از طرفی، بررسی ریشه‌شناسانه‌ی افعال و مصادر زبان گیلکی، مشکل عمومی، راهگشای پژوهش‌هایی خواهد شد که قصد دارند ساختار زبانی و دستوری این زبان را بررد و شکاف قرار دهند. کتاب «رویکردی شناختی به نظام جهت‌های دستوری گویش گیلکی» از جمله آثاری است که بررسی افعال زبان گیلکی را با وجهی زبان‌شناختی مدنظر قرار داده است. در این کتاب جهت‌های معلوم، مجهول، میانه، معکوس و ضد مجهول با رویکرد شناختی مورد پژوهش قرار گرفته است. از این‌رو اثر مذکور، جزء اولین آثاری خواهد بود که زبان/گویش گیلکی را از این منظر مورد بررسی قرار داده است.

حوزه هنری گیلان ضمن قدردانی از محققان گرانقدر و فرهیخته‌ی این اثر و با سپاس از ناشر محترم، این کتاب را به تمامی علاقه‌مندان زبان و فرهنگ سرزمین گیلان تقدیم می‌کند.

مقدمه

آموزش همگانی نعمتی بود که دستاوردهای بسیاری برای سوادآموزان به ارمغان آورد اما متأسفانه اثر مخرب آن را بر گویش‌های مناطق مختلف ایران نمی‌توان از نظر دور داشت. مشکلاتی که گویشوران مختلف هنگام سوادآموزی با آن روبه‌رو می‌شدند، این شبهه را برای والدین به وجود آورد که اگر با فرزندشان از ابتدا به فارسی حرف می‌زدند، رشد تحصیلی آن‌ها بیش‌تر می‌شد. این مسئله در کنار جایگاه و اعتبار اسماء خاص زبان فارسی موجب اضمحلال گویش‌ها شد. در این میان نقش رسانه نیز انکارناپذیر بود. تهیه‌ی برنامه‌ها صرفاً به زبان فارسی (دست‌کم تا پنج سال اخیر) و مورد تمسخر قرار گرفتن برخی از گویش‌ها باعث انزجار گویشوران از به کار بردن گویش‌شان شد. جملگی شرایط پیش‌گفته تأثیرات نامطلوبی بر گذراندن دوره‌های زبانی، در جهت حذف تدریجی آن‌ها و حرکت به سوی زبان غالب، یعنی فارسی، کردند. از این‌رو، دیری نخواهد گذشت که زبان‌ها و گونه‌های زبانی محلی محکوم به نابودی می‌نوند به همین دلیل مطالعه‌ی خصوصیات دستوری گویش‌ها و شناخت دقیق آن‌ها باعث می‌شود تا جوانان روستاها و محله‌های مختلف دستور زبان فارسی آن‌ها را حفظ کرد. تنوع گونه‌های زبانی و پراکندگی این گویش‌ها در پهنه‌ای وسیع و در پاره‌ای موارد صعب‌العبور کوهستانی، کار گردآوری گویش‌های منطقه را دشواری‌های بسیار مواجه می‌کند. افزون بر این باید به مسئله‌ی موقعیت جغرافیایی منحصربه‌فرد استان گیلان توجه داشت. گیلان از قدیم محل تلاقی فرهنگ‌های مختلف بوده و به دلیل همسایه بودن با کشورهای ایران، آذربایجان و ترکمنستان پراکنش گویشی زیادی در آن دیده می‌شود. همین مسئله ضرورت مطالعه‌ی دقیق‌تری گویشی را به وجود می‌آورد، چرا که به تالشی، ترکی و کردی علاوه بر گیلان به ترتیب در آذربایجان و کردستان نیز تکلم می‌شود. بی‌تردید ویژگی‌های جغرافیایی و تأثیر عوامل انسانی و اجتماعی تحولات شگرفی در گونه‌های زبانی به وجود خواهد آورد. جای شگفتی نیست که ترکی‌ای که در مناطق مختلف گیلان (آستارا، انزلی و امام‌زاده هاشم) به کار می‌رود با ترکی آذربایجان ایران و آذربایجان باکو متفاوت است. این در حالی است که از دیرباز اقوام مختلفی در گیلان زندگی می‌کرده‌اند که علاوه بر آداب و رسوم خاص، وجوه متمایز زبان یا گویش متفاوتشان بوده است. همین مسئله موجب تنوع گویش زیاد در منطقه‌ی گیلان شده است. علاوه‌بر گیلکی، به عنوان گویش خاص منطقه، گویش‌ها و زبان‌های تالشی، گالشی، تاتی، کردی و ترکی هم در گیلان دیده می‌شود.

از زمان‌های دور گیلانیان را مردمانی فرهیخته می‌دانستند که به سوادآموزی و مطالعه اهمیت زیادی می‌دادند. این مسئله را می‌توان با شمار زیاد اندیشمندان گیلانی و آثاری که خلق کرده‌اند به اثبات رساند. حوزه‌ی زبان نیز از این مطالعات مستثنا نبوده است و تاکنون پژوهش‌های زیادی در این زمینه صورت گرفته که از آن جمله می‌توان به آثار سرتیپ‌پور، پاینده، کریستن‌سن و دیگران اشاره کرد. اما دو ایراد عمده بر این پژوهش‌ها وارد است. یکی آن که، تقریباً بیش‌تر مطالعات صورت گرفته از بنیان نظری و خاستگاه علمی مشخصی برخوردار نبوده‌اند و دوم آن که، اکثر پژوهش‌ها در ارتباط با گیلکی رشت یا نهایتاً تالشی انجام شده‌اند و سایر گویش‌ها مغفول مانده‌اند. این در حالی است که با توجه به گسترش رشته‌ی زبان‌شناسی، مطالعات علمی و دقیقی در این حوزه در حال شکل‌گیری است که از آن جمله می‌توان به مطالعات پژوهشگرانی چون رضایتی کیشه‌خاله، پورهادی، سبزه‌علی‌پور، رفیعی جیردهی، دژان طوبی، فیاضی، صبوری دیلمی، شعبانی، میرهاشمی، جعفری و عطایی اشاره کرد. این قبیل مطالعات باید شش شروع سرفصل تازه‌ای در مطالعات گویشی استان گیلان است.

گویش‌شناسی یکی از شاخه‌های علم زبان‌شناسی است که در آن گویش‌ها مورد بررسی و مطالعه قرار می‌گیرند و دو هدف اصلی را دنبال می‌کنند: نخست، گردآوری و تعیین پراکندگی نمونه‌های گویشی مناطق مورد مطالعه؛ و دیگر توابع پدیدها و ویژگی‌های زبانی موجود در آن گویش‌ها.

گردآوری و پژوهش در گویش‌ها از دیدگاه‌های مختلف، به‌ویژه زبان‌شناسی، اهمیت چشمگیری دارد. توصیف و تدوین گویش‌ها به‌عنوان بخشی از زبان‌شناسی عملی، در پویایی علم زبان‌شناسی با حفظ گوشه‌ای از تاریخ ایران، غنی کردن زبان فارسی و بازآزمایش زبان‌های کهن، نقش شایانی دارد. در واقع، بررسی گویش‌ها راهی به سوی پربارتر کردن مطالعات زبان فارسی، کمک به شرح و تفسیر متون ادبی، کمک به معلمان زبان و ادبیات فارسی و انگلیسی بومی برای تدریس، جلوگیری از ورود واژه‌های بیگانه، شناخت ادبیات گفتاری و شناخت هویت، ملیت، آداب و رسوم تاریخی، قومی هر منطقه است. زبان‌شناسان، حوزه‌های مختلف زبان را به چهار دسته‌ی اصلی تقسیم می‌کنند: حوزه‌ی نحو، معنا، ساخت‌واژه و آوا. پژوهش حاضر در حوزه‌ی مطالعاتی نحو گیلکی قرار دارد.

«وضعیت» کنش در زبان‌ها با استفاده از جهت دستوری و با توجه به مقولات ساخت‌واژی یا ساختارهای نحوی بیان می‌شود. به این اعتبار که با توجه به انواع گوناگون الگوهای رمزگذاری نحوی - معنایی، هر یک از موضوع‌های فعل از برجستگی متفاوتی در جمله برخوردار می‌شوند. از دهه ۱۹۸۰ به این سو، رویکردهای کلان به جهت دستوری، ملاحظات کاربردشناختی و فرایندهای شناختی مرتبط به تناوب‌های جهتی را به این حوزه‌ی مطالعاتی افزود. پژوهش حاضر با هدف

مشخص کردن انواع جهت‌های دستوری در گویش گیلکی، می‌کوشد پاسخی برای سه پرسش پژوهش بیابد، نخست این که «بازنمایی جهت دستوری در گویش گیلکی چگونه است؟» دوم «از منظر زبان‌شناسی شناختی چگونه جهت‌های دستوری، رویدادی را در گیلکی مفهوم‌سازی می‌کند؟» و دیگر این که «دستور شناختی چگونه تبیینی از جهت‌های دستوری در گویش گیلکی به دست می‌دهد؟». پیکره‌ی داده‌های پژوهش به روش میدانی و اسنادی گردآوری شده‌اند. تحقیق حاضر در شمار پژوهش‌های کیفی قرار می‌گیرد و داده‌ها به روش توصیفی - تحلیلی با استناد به آراء رونالد لانگاکر و به‌طور مشخص دو اثر (۱۹۸۲) و (۲۰۰۴) او، و ملدونادو (۲۰۰۷) بررسی می‌شود. بخش مجهول طرح نیز، ملایق با الگوی پیشنهادی بهرامی خورشید و گلفام (۱۳۹۱) برای زبان فارسی صورت گرفته که خود مبتنی بر آرای لانگاکر (۱۹۸۲) است. به باور لانگاکر جهت‌های دستوری از طریق کاربرد انگاره‌ی رویداد متعارف در دستور شناختی مفهوم‌سازی می‌شوند. انگاره‌ی رویداد متعارف، شیوه‌ی مشاهده به نمودی اعلای یک کنش را بازنمایی می‌کند و خود تلفیقی است از دو انگاره‌ی حرکت توپ‌های بیابار و رانک‌های صحنه‌ی نمایش. در این رویکرد، «نقطه‌ی شروع» در ساخت رویداد اهمیتی ویژه دارد. نظام است که شکل‌گیری برساخت نحوی بر آن استوار می‌شود. در ادامه عواملی چون «برجستگی» یعنی «سلسله‌مراتب برجستگی مشارکین در کنش؛ استقراء یا سلسله‌مراتب سازمان‌دهی مشارکین بر اساس پتانسیلشان برای شروع یک رویداد؛ و دست‌آخر، حالت‌دهی، یعنی پیوند میان برجستگی و استقراء در شکل‌گیری برساخت جهتی ایفای نقش می‌کند. از همین روست که زبان‌شناسی شناختی با تکیه بر مفاهیم نظری برجستگی و تعبیر جهت‌های دستوری را تبیین می‌کند.

جهت یا به قول دیونیسوس diathesis مقوله‌ای دستوری است که به انواع‌های فعل^۱ در جمله برجستگی‌های مختلفی می‌گیرند که این امر از راه انواع مختلف الگوهای رمزگذاری معنایی - نحوی و حتی کاربردشناختی صورت می‌گیرد. در فعل‌هایی که دارای حداقل دو موضوع هستند، چیدمان [این موضوع‌ها] همیشه نامتقارن است و یک عنصر، برجسته‌تر از دیگری است. به نظر می‌رسد که در همه‌ی زبان‌ها، یک الگوی جهت غیرنشاندار کانونی وجود دارد که در اکثر موارد، «معلوم»^۲ است، و در آن، کنش‌گر^۳، برجسته‌تر از کنش‌پذیر^۴ می‌شود. جهت معلوم^۵، در تقابل با انواع الگوهای جهت

1. arguments of the verb
2. active
3. agent
4. patient
5. active voice

نشاندار شامل مجهول^۱، ضد مجهول^۲، معکوس^۳ و میانه^۴ قرار دارد. از این رو، هر الگوی جهت، دیدگاه‌های مختلف یک رویداد را نشان می‌دهد چراکه کنش‌گر و کنش‌پذیر، درجات مختلفی از برجستگی را می‌گیرند. با توجه به این که جهت دستوری، حق انتخاب‌های بی‌شماری را در پیش روی گویشوران قرار می‌دهد، انتخاب یکی از جهت‌های دستوری به جای دیگری، بازتاب شیوه‌ی نگرش خاص افراد به رویداد و مفهوم‌سازی است. در نتیجه جهت، ابزاری شناختی است که سبب می‌شود انسان افکارش را در قالب زبان منعکس کند.

لانگاکر در رویکرد شناختی خود، (۱۹۸۷، ۱۹۸۲ الف، ۱۹۹۰، ۱۹۹۱، ۲۰۰۴) به معرفی انواع متفاوت نظام‌های جهت می‌پردازد و خاستگاه شکل‌گیری انواع جهت‌های دستوری را راه کارهای مفهوم‌سازی^۵ معرفی می‌کند. در نظریه‌ی پیش‌گفته «نقطه‌ی شروع» در ساخت رویداد از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، یعنی نقطه‌ای که تشکیل یک ساخت از آن آغاز می‌شود. نقطه‌ی شروع در دو سطح عمل می‌کند. نخست، برجستگی^۶؛ یعنی سلسله‌مراتب برجستگی مشارکین: فاعل < مفعول > سایر. دوم، استقراء^۷؛ سلسله‌مراتب سازنده مشارکین بر اساس پتانسیل آنها برای شروع یک رویداد که توسط محتوای مفهومی فعل تعیین می‌شود. کنشگر < ابزار > کنش‌پذیر؛ سبب < مسبب؛ تجربه‌گر > پذیرنده. سوم، حالت‌نمایی^۸؛ پیوند میان برجستگی و استقراء.

پژوهش حاضر بر آن است تا تحلیلی شناختی از «جهت‌های دستوری» در گویش گیلکی ارائه کند. برای نیل به این هدف نگارندگان ابتدا پس از مقدمه‌ی کوتاه درباره‌ی مفاهیم نظری پژوهش، جهت‌های معلوم و مجهول در گیلکی را معرفی خواهند کرد. در ادامه بحث جهت‌های «میانه»، «معکوس» و «ضد مجهول» را پی خواهند گرفت.

1. passive
2. anti-passive
3. inverse
4. middle
5. conceptualization strategies
6. prominence
7. inductivity
8. case marking